



پیام آدینه ۲۸۹ • سال پنجم • تحلیلی، اطلاع رسانی، آموزشی

سوت پایان نیمه اول

ضعف دولت در جناح خودی

خوب بگردید

کلید همین دور و اطراف افتاده بودا



دو سال پس از انتخابات

حال عمومی بهتر از حال خصوصی

ک: سینا خرم رودی

به دو سال اخیر فکر می‌کنم. به دو سالی که خیلی زود گذشت. انگار همین دیروز بود که جلیلی و قالیباف نیامد و روحانی آمد. انگار همین پرویز بود که معلوم شد روحانی سرهنگ نیست و به غیر از چرخ سانتریفیوژ، چرخ زندگی مردم هم می‌تواند بچرخد و کلا چرخ مسأله مهمی است! دارم به روزهایی فکر می‌کنم که روحانی آمد و قرار بود که نه تنها دولت، نه تنها زندگی ما ایرانیان بلکه جهان تغییر کند. البته از اولش هم قرار نبود همه چیز تغییر کند ولی آن روزها ما بودیم جو زدگی‌های بعد از هر انتخابات پیروزمندان! در ذهنم روزهایی را می‌گذرانم که مردم غرق خوشحالی بودند و در سطح خیابان‌ها به انجام حرکات موزون مجاز می‌پرداختند، روزهایی که تیم ملی می‌برد، والیبال صعود می‌کرد، باران می‌بارید، احمدی نژاد می‌رفت و بعد از هر کدام از این اتفاقات شیرین ما می‌گفتیم: روحانی می‌چکریم! خیلی همه نگذشته اما شاید فراموش کرده باشیم روزهایی را که می‌شد اسم یک نفر را آورد و الان نمی‌توان آورد و همان یک نفر پیامی منتشر کرد که این روزها نمی‌توان چیزی در موردش گفت و آرای زیادی برای روحانی جمع آوری نمود. از دادن توضیحات بیشتر معذورم!





کاستن ازبحران‌ها در ۲۴خرداد

«مهدی غلامی

ر نظام سیاسی برای بقا و اداره امور خود بدنبال سه وجه می‌رود: وجه اجبار نظام سیاسی (اجبار ساختاری و... همچون ارتش و پلیس و زندان)، وجه کارایی نظام سیاسی (اقتصاد، خدمات اجتماعی، آموزش ، سلامت و...) و وجه ایدئولوژیک و مشروعیت نظام سیاسی (شامل سه نوع سنتی ، کاریزماتیک و مشروعیت دموکراتیک)

انقلاب و پس از آن هشت سال دفاع جانانه از وطن نشان داد که قطعا یکی از پایه‌های اصلی نظام سیاسی بر مردم استوار است. بعد از آن و در خرداد ۱۳۷۶، بروز اندیشه‌های متفاوت توانست نهال انقلاب را به بالندگی و تنومندی رهنمون کند. از این پایه با نام پایه مشروعیت و یا مقبولیت مردمی در نظام یاد می‌کنند.

این روند به دلیل مدیریت دور از عقلانیت هشت ساله دولت موسوم به اصولگرایان به محوریت احمدی نژاد و بعد از آن هزینه‌هایی که در حوادث ۸۸، نظام و مردم پرداختند، سبب شد بحران کارایی در دو بعد داخلی و خارجی به کشور و مردم تحمیل شود. این اتفاق در حالی رخ داد که علی‌رغم درآمد بی‌نظیر نفت که می‌توانست موتور توسعه و تحول کشور در عرصه اقتصاد شود؛ به جای مدیریت درست و سرمایه گذاری‌های دور اندیشانه به شیوه‌های پوپولیستی و عوام‌گرایانه در مصادیقی با منافع کوتاه مدت به کشور تزریق شد. این امر در کنار سیاست خارجی ناهمسو با منافع مردم ، بحران کارایی را به ناحیه قرمز خود وارد کرد ، جایی که مردم دیگر از تاب تحمل بار آن به دنبال راه نجاتی بودند. کشور در خرداد ۹۲ برای نجات و بازگشت به مسیر اصلی تامین نیازهای مردم به راه حلی که حاوی دو پاسخ باشد نیاز داشت. اول پاسخی که حاوی حمایت مردمی‌باشد و به سرمایه‌ای مشروعیت‌زا برای حل دیگر مسائل از جمله بحران بین‌المللی و اصلاح نگرانی‌های قدرت‌های جهان از ایران شود و دوم حاوی شیوه مدیریتی عقلانی برای حل بحران کارایی باشد که بتواند کشور را از سرانشیی سقوط اقتصادی که متأسفانه به ظهور مشکلات بی‌شمار اجتماعی

از جمله بالا رفتن سن ازدواج و آمار جرم و جنایت و ... شده بود، نجات دهد.

این دلایل به حدوث بیست و چهارم خرداد ختم شد. مدیران اعتدال خود به این وضعیت واقف هستند. لذا سعی آنها نیز در جهت رفع این دو بحران دنبال می‌شود. اگر نصفانه قضاوت کنیم؛ باید گفت که در دوسالگی دولت، دیپلماسی اعتدال در کنار ثبات نسبی در اقتصاد کشور با توجه به کاهش بسیار

درآمدهای نفتی، کشور نمره قابل قبولی کسب کرده‌است. کمالتیکه از همان روز اول که دولت یازدهم پیروز انتخابات شد و حسن روحانی پا به خیابان پاستور گذاشت، می‌دانست که باید در رفع دو بحران مذکور اقدام کند. گرچه دوبرابر آن هشت سال زمان نیاز است تا اصلاحات شود و فقط به حالت اولیه‌اش بازگردد! لیکن رفع بحران‌های ذکر شده در هر زمانی می‌تواند، نظام را از آسیب‌های گوناگون داخلی و خارجی واکنیسه و ثبات نظام سیاسی را تضمین کند. با اذعان به این مطالب که بی‌شک سیاسیون داخل حکومت نیز از آن بی‌اطلاع نیستند، می‌بینیم که سسنگ‌اندازی پیش پای دولت از همان روزهای ابتدای کار دولت یازدهم آغاز شد. اگرچه گمان می‌رفت نخستین سنگ مقابل پای دولت، اقتصاد و تورم باشد، اما قوی‌ترین نقطه قوتش به بزرگ‌ترین سنگ مقابل پایش بدل شد که البته این کار دولت نبود بلکه کار کسانی بود که دل خوشی از پیروزی حسن روحانی در انتخابات ۱۳۹۲ نداشتند.

از دلواپسان مجلس‌نشین و وزاری مخالف برکنار شده دولت قبل و جبهه پایداری بگیر تا پخش سی‌دی زندگی رئیس جمهور و استیضاح و احضارهای وقت و بی‌وقت وزرا و سراز همیشه تک بعدی صدا و سیما و غیره همگی نشانی از علاقه سیاسیون در جهت رفع بحران‌ها را نشان نمی‌داد و نمی‌دهد. در کنار این عوامل اگر افت بی‌سابقه قیمت نفت در سی سال اخیر را نیز اضافه کنیم، بهتر متوجه کار سخت دولت یازدهم در این دوسال می‌شویم. در آخر؛ بحران‌های ذکر شده‌ای که نظریه‌پردازان علم سیاست آن را در علائم حیاتی یک نظام سیاسی لازم دانسته‌اند، متأسفانه در بین سیاسیون درون حاکمیت و همچنین اتاقهای فکری خارج از حاکمیت، دارد قربانی منافع شخصی می‌شود. اگر انسجام فکری این نخبران سیاسی حفظ نشود و هر دولتی با توجه به سلیقه خود سعی در اداره نظام کند، تنها بحرانا‌هی رفع نمی‌شود که آیندگان را در معرض خطری جدی قرار می‌دهد.

تعامل شکننده قوای سه گانه دراستان

برای سرمایه‌گذاری در استان، جذب اعتبارات و مانند آنها صورت گرفته است، نشان از نوعی حرکت تعاملی با محوریت منافع استان دارد.

با تمام این احوال نمی‌توان از نگرانی‌ها و دغدغه‌های مدیریت استان که چه بسا با شعار همت همگانی برای توسعه استان قصد تقویت بیش از پیش تعامل میان بخش‌های مختلف از جمله مجمع نمایندگان، مدیران اجرایی و دستگاه قضایی استان را داشت، از روند ضعیف تعاملات و همکاری‌ها و البته همراهی‌ها غافل شد. دغدغه‌هایی که نیکبخت در محافل مختلف و فرصت‌ها گوناگون از آنها سخن به میان آورده و حتی گاه انتقادهای تندى از رفتارهایی که نقطه مقابل تعامل سازنده است، داشته است.

به عنوان نمونه روزی که استاندار همدان از پایین بودن سطح همکاری‌ها و همراهی‌ها سخن به میان آورد و یا هنگامی که نگرانی جدی خود را از مصاره به مطلوب خدمات دولت توسط برخی‌ها مطرح کرد و موارد دیگری از این قبیل همگی حکایت از یک چیز داشت و آن شکننده بودن تعامل سازنده و مورد انتظار میان قوا در سطح استان بود.

استفاده از جملاتی چون «نمایندگان مردم استان همدان در خانه ملت در بیشتر جلساتی که اینجانب در تهران با مقامات بلند پایه دارم، حضور دارند و مسائل را پیگیری می‌کنند»، «از برخی نمایندگان انتظار می‌رود تمامی خدمات صورت گرفته توسط دولتمردان و مدیران اجرایی را به اسم خود مصادره نکنند چون پیش از حضور نمایندگان در جلسه با وزرا و معاونانشان اینجانب صدها بار با این مقامات جلسه برگزار کرده و راپرزی‌های لازم را انجام داده ام»، «دولت

کار خود را به خوبی انجام می‌دهد ولی برخی وکلای مردم در خانه ملت قانع نمی‌شوند»، «نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی سعی بر تصویب قانون مناسب داشته باشند سپس فرمان اجرا را به خادمان مردم در دستگاه‌های دولتی بدهند»، «فارغ از افکار و گرایش‌های نمایندگان مردم، با تمامی آنها برای توسعه و پیشرفت استان دوست و همراه هستم چون معتقدم در صورت اتحاد و همدلی استان ساخته می‌شود»، «کسی حق ندارد تلاش مدیران و دولت را به نام خود مصادره کند» و «اگر اقدامی در استان صورت می‌گیرد برای توسعه استان بوده و برخی نباید این مسائل را به نام خود تمام کنند زیرا تلاش سایر مدیران در استان نادیده گرفته می‌شود و همه در کنار یکدیگر کار می‌کنیم»، به خوبی نشان می‌دهد که مدیر ارشد استان همواره نگران شکننده بودن تعاملات دوسویه و همکاری‌های متقابل در استان بوده است.

البته از آن طرف نیز شاهد انتقاده‌ا، رفتارها و حرکت‌هایی از سوی نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی در قبال دولتمردان بودیم که از همان روزی که بحث انتخاب استاندار همدان در دولت تدبیر و امید مطرح شد، خود را نشان داد.

گذشته از نوع نگاه مجمع نمایندگان استان به مدیریت استان و بعضا اختلاف نظرهای آنها در این زمینه، ورود برخی از آنها به بحث انتصاب‌ها و نوع موضع گیری‌های آنها در هنگام معرفی بعضی از مدیران استان نشانه روشنی از چالش‌های موجود در مسیر تعامل میان مدیران دولتی و نمایندگان مجلس در استان داشت.

به هرحال با توجه روند طی شده در دو سال گذشته و با در نظر گرفتن ضرورت‌های پیش روی استان و همینطور برنامه‌ها و اولویت‌های آن می‌توان گفت تعامل میان سه قوه در استان روند یکنواختی را پشت سر گذاشته و با فراز و نشیب‌هایی مواجه بوده که نشان دهنده چالش‌ها و موانعی در این مسیر بوده است. بویژه این شکنندگی در تعامل میان مجمع نمایندگان استان و مدیریت اجرایی مشهودتر بوده و با اینکه در مواقعی نشانه‌های روشنی از تعامل دیده شده است، اما در مجموع مسیر چنین تعاملی ناهموار و با پستی و بلندی‌های فراوانی مواجه بوده است.

نپوشیده است.

شاید یکی از دلایل اصلی این امر تعامل شکننده میان سه قوه در استان باشد که البته از نگاه نگارنده فقط می‌تواند یک روی سکه باشد، چراکه آن روی سکه چیز دیگری است و در واقع از شرایطی حکایت می‌کند که مهم ترین مشخصه آن حرکت‌ها و اقدامات همکارى در جهت نزدیکی دیدگاهها و رفتن به سوى نوعی تعامل بوده است، منتهی بیشتر این حرکت‌ها و اقدامات جنبه یک‌سویه و یک‌طرفه داشته و در موارد اندکی شاهد همکاری متقابل بوده‌ایم. ضمن اینکه در کنار آن باید از چالش‌هایی نیز سخن گفت که گاه بر تعامل حداقلی میان قوای سه گانه در سطح استانی سایه افکنده است، هرچند حمایت‌هایی که بعضا از برنامه‌های دولت در جهت رشد و توسعه استان بویژه اتمام پروژه‌های عمرانی، زمینه سازی

«محمد سپهرایی

گذشت نزدیک به دو سال از فعالیت دولت تدبیر و امید فرصت مناسبی است تا برنامه‌ها، سیاست‌ها و تصمیمات این دولت درحوزه‌های مختلف از سوى صاحب نظران و اهل فن مورد ارزیابی قرار گیرد. دولتی که اعتدال و میانه روی را پیشه خود ساخت و از همان روز نخست سعی کرد براساس شعاری که در ۲۴ خرداد با محوریت اعتدال مطرح کرده و در راستای آن برنامه‌ها و بهتر بگوییم وعده‌های رئیس جمهور به مردم دنبال شد، عمل کند. بدون شک یکی از عوامل موفقیت نظام در بخش‌های مختلف و به دنبال آن به حرکت درآمدن چرخ‌های توسعه و پیشرفت کشور، همکاری، تعامل و همگرایی بیش از پیش میان دستگاه‌های مختلف بویژه قوای سه گانه است که همواره بر آن تاکید شده است.

در دو سال گذشته که دولت تدبیر و امید با نگاه تعاملی برنامه‌های خود را پیش برده است، شاهد فراز و نشیب‌هایی در تعامل میان سه قوه بویژه قوای مقننه و مجریه بودیم که در حال حاضر نیز تقریبا چنین وضعیتی قابل مشاهده است و در شرایطی که ضرورت تعامل و همکاری میان قوا در راستای تحقق اهداف کلان نظام و کشور بیش از پیش احساس می‌شود، پستی و بلندی‌هایی در مسیر این تعامل همچنان وجود دارد و چالش‌هایی که در این راستا دیده می‌شود، قابل انکار نیست.

البته در این نوشتار قصد پرداختن به آنچه در این دوسال در رابطه میان قوای سه گانه گذشته است، نداریم، بلکه مقصود نگاهی اجمالی به روندی است که در این مدت در استان طی شده است، هرچند وضعیت استان‌ها نیز تقریبا نمونه کوچکی از شرایط کشوری است، اما شرایط، موقعیت و ضرورت‌های پیش روی هر استان نیز به نوعی در شکل گیری تعامل، تقویت آن و یا احتمالا ضعف چنین تعاملی میان نمایندگان سه قوه در سطح استان موثر است.

در استان همدان اما می‌توان گفت نبود یک‌نواختی لازم و به تبع آن فراز و نشیب‌ها در روند تعامل میان سه قوه تا حدود زیادی مشهود بوده و با این که مدیر ارشد استان "همت همگانی برای توسعه استان" را مبنای کار خود قرار داد و در راستای آن تلاش‌ها و اقدامات ملموسى نیز صورت گرفت، اما به اذعان عام و خاص چنین همتی در واقع امر، هنوز آنطور که باید و شاید جامه عمل



تعامل میان سه قوه در استان روند یکنواختی را پشت سر نگذاشته و با فراز و نشیب‌هایی مواجه بوده که نشان دهنده چالش‌ها و موانعی در این مسیر بوده است. بویژه این شکنندگی در تعامل میان مجمع نمایندگان استان و مدیریت اجرایی مشهودتر بوده و با اینکه در مواقعی نشانه‌های روشنی از تعامل دیده شده است، اما در مجموع مسیر چنین تعاملی ناهموار و با پستی و بلندی‌های فراوانی مواجه بوده است.

